

پزشکان ماندگار سینمای ایران

مرور جذاب ترین پزشکان در فیلم های ایرانی مانند امین تارخ در «مادر» و علی مصفا در «تابستان داغ» به پاسداشت زحمات شبانه روزی کادر درمان در این روزهای کرونایی.

به گزارش پرسون، در روزهای تیره و تاریک اوج پاندمی کرونا هستیم و در هر روز شمار بیشتر مبتلایان و قربانیان جانمان را به درد می‌آورد. در این میان، این روزها برای پزشکان و کادر درمان از همه سخت‌تر می‌گذرد و بیماران زیاد زندگی‌شان را در این چندماهه فرسایشی کرده است. دیگر همه می‌دانیم که چه شیفت‌های طولانی دارند و چطور برای درمان بیماران روزها از خانه و خانواده‌شان دور مانده‌اند و عزیزان خود را ندیده‌اند. به پاسداشت زحمات شبانه روزی پرستاران به یادماندنی‌ترین پرستارهای سینمای ایران را مرور کرده‌ایم. البته پزشکی که در سینمای ایران تصویر شده‌اند، بیش از آنکه در داستان‌ها درگیر درمان بوده باشند، با دغدغه‌ها و مسائل شخصی خود سروکار داشته‌اند و فیلم‌ها به ابعاد شخصی و درونی‌تر این کاراکترها پرداخته.

در این میان جا دارد یادی کنیم از سریال «دکتر قریب» کیانوش عیاری که باشکوه‌ترین اثری است که در ستایش درمان و پزشکی در تاریخ معاصر ایران ساخته شده.

امین تارخ- مادر

امین تارخ یکی از فرزندان مادر که پزشک است و روند سلامتی مادر را هم زیر نظر دارد. فرزند خلف و محبوب خانواده و پزشکی موفق که یکی از جذاب‌ترین کاراکترهای فیلم هم هست. «مادر» یکی از ماندگارترین و متفاوت ترین پزشکان سینمای ایران را تصویر می‌کند.

رضا کیانیان- خانه‌ای روی آب

رضا کیانیان در «خانه ای روی آب» نقش یکی از منفی‌ترین دکترهایی که سینمای ایران تا به امروز تصویر کرده است را بازی می‌کند. او به خوبی از پس ایفای این نقش برآمده و توانسته شخصیتی بسازد که تماشاگر با دیدن داستانش در فکر فرو رود. او دکتری خودخواه و خود بزرگ‌بین و البته عمیقا تنهاست که درونش برخلاف ظاهر متمدن و آرام زندگی‌اش، بسیار مخدوش و بدحال است.

مسعود رایگان- خیلی دور خیلی نزدیک

یکی از ماندگارترین قهرمان‌های سینمای رضا میرکریمی و از اولین نقش‌آفرینی‌های جدی مسعود رایگان در سینمای ایران. «خیلی دور، خیلی نزدیک» یکی از بهترین فیلم‌های رضا میر کریمی است که داستان زندگی پزشک بسیار موفقی را تعریف می‌کند که عمده وقتش را در مطب خود صرف طبابت می‌کند. نه برای اینکه عاشق کارش باشد، که بیشتر برای فرار از خانه و غم عظیمی که در منزل و خانواده‌اش رخنه کرده است.

در همان سکانس ابتدایی فیلم از دیالوگ‌های دکتر با مریضش متوجه می‌شویم که او متخصص مغز و اعصاب است و به‌واسطه حرفه‌اش، زیاد با مرگ سروکار داشته است. در همان دیالوگ‌ها متوجه می‌شویم که مرد اعتقادات مذهبی عمیقی ندارد، انگار با خدا قهر کرده باشد. در ادامه وقتی در دل شادی و آتش‌بازی‌های چهارشنبه سوری، تنها به خانه مجلل و بزرگش می‌رود و در تاریکی خانه و شلختگی‌های جامانده از مهمانی به پایان رسیده غرق می‌شود، تماشاگر بار تنهایی و سرمای عمیقی که در زندگی خانه کرده را احساس می‌کند.

او درحالی به خانه برگشته که متوجه شده پسر جوان و سرحالش یک تومور مغزی بدخیم دارد و حالا تنها میراثش از یک زندگی خانوادگی فروپاشیده، در آستانه مرگ قرار گرفته. او به دنبال پسرش راهی سفری دور و دراز می‌شود. به دل کویر می‌زند و در واقع این سفری است به درون خود او تا خودش و خدایش را بازپابد و روحش را از چنگال مرگ ابدی برهاند.

خسرو شکیبایی – رئیس

یک دکتر باحال و اهل دل که مجوز طبابتش باطل شده و قاچاقی کار می‌کند. قهرمان فیلم «رئیس»، تیر خورده و نالان به مطبش میرسد و دکتر با یک بطری الکل، مست و خراب به استقبال او می‌رود. در حالی که درمان ادامه می‌دهد که سیگارش گوشه لبش است و دارد از گل و بلبل حرف می‌زند.

یک آدم مشت‌ و لوتی که هرچند لحظات کوتاهی جلوی دوربین حضور دارد اما یکی از جالب‌ترین و بامزه‌ترین شخصیت‌ها در میان فیلم‌های متاخر مسعود کیمیایی است.

خسرو شکیبایی فقید هم انصافا به‌خوبی از پس ایفای نقش برآمده و یکی از بهترین بازی‌های کارنامه‌اش را ارائه کرده است.

بیشتر بخوانید:

اقدام حمایت آمیز شبکه امروز از سینمای ایران

کارگردان سینمای ایران سکنه قلبی و مغزی کرد

مانی حقیقی- ورود آقایان ممنوع

«ورود آقایان ممنوع» یکی از بهترین فیلم‌های رامبد جوان است. یک کمدی بامزه و سرپا که از بهترین کمدی‌های سال‌های اخیر محسوب می‌شود. هم موضوع تازه و جالبی دارد و هم به خوبی پرداخته شده است. شخصیت رضا عطاران خوب از کار درآمده و در کنار آن حضور ویشکا آسایش بسیار گیراست. یکی از بهترین شخصیت‌های زن کمدی بیست سال اخیر. یک مدیر مدرسه بد اخلاق و نچسب که ازدواج نکرده و همه از او حساب می‌برند.

مانی حقیقی یکی از کاراکترهای مکمل است که نقش پدر یکی شاگردان مدرسه را بازی می‌کند. یک مرد میانسال جذاب و خواستنی. شیک و پیک و کاریزماتیک که همه زنان را مجذوب خودش می‌کند. صحنه‌ای که او دارد به عطاران یاد می‌دهد که چطور جوک تعریف کند یکی از بهترین صحنه‌های فیلم است.

حامد بهداد- چه خوبه که برگشتی

«چه خوبه که برگشتی» یکی از ضعیف‌ترین فیلم‌های داریوش مهرجویی است. کلا مهرجویی بعد از «سنتوری» دیگر نتوانست فیلم خوبی بسازد و «چه خوبه که برگشتی» در طیف همین فیلم‌ها دسته‌بندی می‌شود. در این میان کاراکتر دکتر با بازی حامد بهداد تنها نکته جذاب فیلم است. دکتری که به تازگی از فرنگ برگشته و به ویلای پدری‌اش رفته و در آنجا درگیر یک دعوای قدیمی می‌شود. بعضی از لحظات دعوا و کل‌کل‌های او با رضاعطاران بامزه است و لحظات دونفره‌شان با مهناز افشار هم بد نیست!

اغراقی که بهداد در ایفای نقش دارد اینجا روی کاراکتر پرمطراق دکتر خوب نشسته و متناسب است.

علی مصفا- تابستان داغ

باز هم یک دکتر درگیر که عمده وقتش را با کار خود پر کرده و زندگی خانوادگی‌اش ویران است. او و همسرش هر دو شدیداً مشغول کار هستند و به عنوان یک پدر و مادر نمی‌توانند وقت کافی برای فرزند خود کنار بگذارند و مرگ ناگهانی فرزندشان، همه‌چیز را در زندگی مشترک آن‌ها خراب‌تر می‌کند. یک درام فرهادی وار که عرصه را بر قهرمانان خود تنگ می‌کند.

علی مصفا نمی‌تواند مرگ فرزندش را بپذیرد، همانطور که نمی‌تواند تقصیر کاری خودش را هم باور کند. دکتر در «تابستان داغ» همان تصویری را از دکتر می‌سازد که در عموم فیلم‌های اجتماعی سال‌های اخیر دیده‌ایم.

منبع: سلام سینما